

فصل سوم



درس هفتم	تاریخ ادبیات قرن چهاردهم (دوره معاصر و انقلاب اسلامی)
درس هشتم	اختیارات شاعری (۲): وزنی
درس نهم	اغراق، ایهام و ایهام تناسب
* کارگاه تحلیل فصل	

درس هفتم

تاریخ ادبیات قرن چهاردهم (دوره معاصر و انقلاب اسلامی)

الف) دوره معاصر تا انقلاب اسلامی

منظور از ادبیات معاصر آثار ادبی هستند که پس از مشروطیت پدید آمده‌اند. با آغاز قرن بیستم میلادی، تجدد و نوگرایی در ابعاد مختلف زندگی ایرانیان به وجود آمد. هم‌زمان با این تحولات، شعر و نثر فارسی نیز از آن بی‌نصیب نماند.

درحقیقت پیدایش شعر معاصر ایران و گسترش آن، با رویدادهایی مانند انقلاب مشروطیت، پایان سلسله قاجار و سلطنت رضاشاه همراه بود. رضاخان پس از به‌قدرت رسیدن، مدرن کردن همه ابعاد جامعه را سرلوحه برنامه‌هایش قرار داد؛ اما وی این تحولات را با استبداد و ارباب آزادی‌خواهان همراه کرد.

در ادبیات دوره معاصر، نوآوری‌ها، اندیشه‌های باستان‌گرا و گاهی گرایش به شعرهای ترجمه‌ای مورد توجه قرار گرفت. رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰، هم‌زمان با جنگ جهانی دوم، تحت فشار کشورهای سلطه‌گر از سلطنت برکنار و پسرش محمدرضا جانشین او شد. محمدرضا





در آغاز کوشید تا با آزادی‌های نسبی سیاسی و اجتماعی، نظر روشن‌فکران را به خود جلب کند که این آزادی موقت، تا حدودی موجب گسترش و تثبیت ادبیات شد؛ هرچند پس از آن، رفتارها و سیاست‌های نادرست او، موجب انزوای برخی روشن‌فکران شد.

■ شعر دوره معاصر

شعر دوره معاصر را بیشتر با عنوان «شعر نو» می‌شناسیم. در این دوره ابتدا تقی رفعت و افرادی مانند بانو شمس کسمایی، ابوالقاسم لاهوتی، جعفر خامنه‌ای و در نهایت نیما یوشیج تلاش‌هایی در تغییر شعر فارسی از نظر قالب و محتوا داشتند که آنها را پیشگامان شعر نو خوانده‌اند. تصرف نیما در ماهیت شعر قدیم و ارائه ماهیتی نو از آن، به تغییر در قالب و ویژگی‌های سخن شاعران قدیم انجامید. او زبان، تخیل، احساس، معنی، فرم و ساختار شعر را متحول کرد. اگر چه ادبیات دوره معاصر را از زمان مشروطه تا زمان ما دانسته‌اند، اما بهتر است شروع واقعی شعر نو را از سال ۱۳۰۰ یعنی اندکی پیش از به سلطنت رسیدن رضاخان بدانیم. شعر فارسی را در دوره معاصر تا سال ۱۳۵۷ می‌توان متناسب با رویدادهای سیاسی - اجتماعی در چهار دوره بررسی کرد:

دوره اول: دوره سلطنت رضاخان (از سال ۱۳۰۴ تا شهریور ۱۳۲۰) را دوره درخشش نیما و جدال بر سر شعر کهنه و نو می‌دانند.

دوره دوم: از آغاز حکومت محمدرضا تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، فضای سیاسی آزادتری نسبت به دوره قبل بر ایران حاکم بود. در این دوره اشعار نیما و دیگر نوگرایان در برخی نشریات مانند روزگار نو و سخن منتشر می‌شد. مهم‌ترین حادثه ادبی این سال‌ها، تشکیل اولین کنگره نویسندگان و شاعران ایران در تیرماه ۱۳۲۵ بود که نیما در آنجا شعر «آی آدم‌ها» را خواند و پس از آن شیوه نیما در کنار شعر سنتی رواج یافت.

دوره سوم: از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، تحولاتی در جامعه ایرانی اتفاق افتاد و بار دیگر استبداد حاکم شد. در این دوره «شعر نو تغزلی» که از دوره قبل شروع شده بود، به تدریج راه خود را ادامه داد؛ به‌ویژه که از طرف حکومت نیز تقویت شد و در دهه ۱۳۲۰ و اوایل ۱۳۳۰، از گسترده‌ترین جریان‌های زمان خود شد.





پس از وقایع کودتای ۲۸ مرداد، نوعی سرخوردگی و یأس در میان روشن‌فکران و شعرا پیدا شد و جریان سمبولیسم اجتماعی یا شعر نو حماسی نیز رواج یافت. شاعران این جریان بیشتر به مسائل سیاسی و اجتماعی و مشکلات و آرمان‌های مردم توجه دارند.

دوره چهارم: از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ مبارزه، رنگ و مفهومی تازه به خود می‌گیرد و فضای جامعه متشنج می‌شود و مسیر عمده شعر همچنان اجتماعی و حماسی است. این دوره را باید دوره کمال جریان‌های ادبی دوره‌های پیشین به حساب آورد. شاعران بهتر و هنری‌تر از گذشته به جوهر شعر دست یافتند و مضمون شعر آنها بیشتر نقد اجتماعی است.

از معروف‌ترین شاعران دوره معاصر، پروین اعتصامی، فریدون توللی، محمدحسین شهریار، نادر نادرپور، فریدون مشیری، نصرت رحمانی، فروغ فرخزاد، منوچهر شیبانی، اسماعیل شاهرودی، مهدی اخوان ثالث، احمد شاملو، سیاوش کسرایی، منوچهر آتشی، پرویز ناتل خانلری، حمید مصدق، مهدی حمیدی شیرازی، هوشنگ ابتهاج، محمدرضا شفیعی کدکنی و ... را می‌توان نام برد.

در زیر چند تن از این شاعران معاصر معرفی می‌شوند:

■ پروین اعتصامی

رخشنده اعتصامی معروف به پروین، بانوی مشهور شعر فارسی است و در خانواده‌ای اهل شعر و ادب پا به عرصه هستی گذاشت. پدرش، یوسف اعتصام‌الملک آشتیانی، از فضیلتی زمان بود و در تربیت اخلاقی و ادبی وی نقش بسزایی داشت. پروین در قصیده به سبک ناصر خسرو به روانی و لطافت سعدی شعر می‌سراید. اوج سخن پروین در قطعات اوست که در آنها به شیوه انوری و سنایی توجه دارد. برخی از اشعار او به صورت مناظره میان دو انسان، جاندار یا شیء است. آنچه شعر پروین را از دیگران متمایز می‌کند، شکل تصرف وی در مضامین و کیفیت ارائه آنهاست. او به همراه انعکاس اوضاع نامطلوب سیاسی - اجتماعی، به مضامین اخلاقی و پند و اندرز نیز روی می‌آورد.

بیت زیر از اوست:

در آن سرای که زن نیست، انس و شفقت نیست

در آن وجود که دل مرده، مرده است روان

■ سید محمد حسین بهجت تبریزی (شهریار)

شهریار از بزرگ‌ترین شاعران غزل‌سرای معاصر است که علاوه بر شعر فارسی، به ترکی آذری نیز شعر می‌سراید؛ منظومه «حیدر بابایه سلام» او از شاهکارهای این حوزه است. شاعر در این منظومه با شیفتگی تمام از اصالت فرهنگی و زیبایی‌های روستای زادگاهش یاد می‌کند. او به بزرگان دین به ویژه حضرت علی علیه السلام ارادت خاصی داشت و چند شعر ارزنده با این مضمون، از او به جا مانده است؛ در غزل طبعی لطیف و احساسی رقیق داشت و از غزل‌سرایان نامی ایران، به ویژه حافظ تأثیر فراوان پذیرفته است. بیت زیر ابتدای یکی از غزل‌های اوست:

باز امشب ای ستاره تابان نیامدی باز ای سپیده شب هجران نیامدی

■ علی اسفندیاری (نیما یوشیج)

نیما، بنیان‌گذار شعر نو، از کسانی است که کوشید تا شعر را به هنجار نثر و سادگی نزدیک کند و در قالب، زبان و مضمون آن تغییراتی ایجاد کند، نیما در این مسیر از واژگان روزمره، عامیانه و نو بهره برد و از نوآوری و به کار گرفتن ترکیب‌های تازه نهراسید. او در سال ۱۳۰۱ ه. ش. منظومه «افسانه» را منتشر کرد که به عنوان بیانیه شعر نو است و چنین آغاز می‌شود:

در شب تیره دیوانه‌ای کاو

دل به رنگی گریزان سپرده

در دره سرد و خلوت نشسته

همچو ساقه گیاهی فسرده

می‌کند داستانی غم‌آور...

ویژگی‌هایی مثل تغییر در آوردن جایگاه قافیه، نگاه نو و نگرش عاطفی به واقعیات ملموس، سیر آزاد تخیل، نزدیکی به ادبیات نمایشی، از مهم‌ترین ویژگی‌های این شعر نیما است. جریان نوگرایی شعری نیما با سرایش ققنوس در سال ۱۳۱۶ تثبیت شد. نیما در این سال‌ها (۱۳۰۱ تا ۱۳۱۶) چارچوب و طرح کار خود را به بهترین شکل ممکن تدوین کرد.



همین با برنامه بودن است که کار نیما را از دیگر نوگرایان متمایز می‌کند. او در «ققنوس» تغییراتی در اصول و ضوابط شعر سنتی ایجاد کرد و تجدیدی را که از مشروطه آغاز شده و به افسانه‌ او رسیده بود، تکامل بخشید. نیما را به خاطر این نوآوری، «پدر شعر نو» دانسته‌اند.

■ مهدی اخوان ثالث

یکی از موفق‌ترین رهروان شعر نیمایی، اخوان ثالث است. بیان روایی و داستانی، حماسی بودن زبان، کهن‌گرایی، به‌کارگیری ترکیبات زیبا و خوش‌آهنگ و برخی از کاربردهای نحوی سبک خراسانی از ویژگی‌های شعر اوست.

شعری اجتماعی است و حوادث زندگی مردم را در خود منعکس می‌کند. «آخر شاهنامه»، «زمستان» و «از این اوستا» از بهترین مجموعه شعرهای معاصر هستند. او در بیشتر مجموعه‌ها مثل زمستان زبانی نمادین دارد.

سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت
سرها در گریبان است

کسی سر برنیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را

نگه جز پیش پا را دید نتواند

که ره تاریک و لغزان است

و گرد دست محبت سوی کس یازی،

به اکراه آورد دست از بغل بیرون

که سرما سخت سوزان است

نثر دوره معاصر

نثر ساده دوره معاصر را بیشتر با نثر داستانی می‌شناسیم. علاوه بر آن در قالب‌هایی مثل ادبیات نمایشی، سفرنامه، مقاله و... نیز آثار نثر در این دوره دیده می‌شود.

نثر فارسی تحت تأثیر آثاری که در دوره بیداری از زبان‌های اروپایی ترجمه می‌شد، به سادگی گرایید. زمینه‌های گرایش به رمان‌نویسی و نثر داستانی را به معنای نوین آن، عبدالرحیم طالبوف و زین‌العابدین مراغه‌ای با سفرنامه‌های خیالی خود ایجاد نمودند.



نخستین رمان تاریخی این دوره را محمدباقر میرزا خسروی با نام «شمس و طغرا» نوشت. اولین رمان اجتماعی را نیز در سال ۱۳۰۱ با نام «تهران مخوف» مرتضی مشفق کاظمی منتشر کرد. نثر داستانی معاصر نیز با مجموعه داستان کوتاه «یکی بود، یکی نبود» از سید محمدعلی جمال‌زاده در سال ۱۳۰۱ آغاز شد و اولین نمایشنامه نیز با عنوان «جعفرخان از فرنگ برگشته» به قلم حسن مقدم در همین تاریخ نوشته شد.

داستان نویسی نوین با افرادی مانند صادق هدایت نویسنده «سگ ولگرد»، بزرگ علوی نویسنده «چشم‌هایش» و صادق چوبک نویسنده «تنگسیر» و... گسترش یافت؛ این گروه موسوم به نویسندگان نسل اول هستند. پس از آنها به تدریج نسل جدیدی وارد ادبیات داستانی می‌شوند که سبک آنان تلفیقی است از آنچه خود داشتیم و آنچه از شیوه‌های غربی گرفتیم. جلال آل احمد با «مدیر مدرسه» و سیمین دانشور با «سووشون»، از معروف‌ترین نویسندگان این دوره‌اند. از دیگر چهره‌های این گروه می‌توان به تقی مدرس، محمود اعتمادزاده، غلامحسین ساعدی و جمال میرصادقی اشاره کرد.

بعد از خردادماه ۱۳۴۲ دوران مقاومت در ادبیات داستانی فارسی شکل گرفت. شروع این مقاومت در مبارزات ملی شدن صنعت نفت و بعد هم قیام ۱۵ خرداد است. در این دوران مضمون رمان‌ها و داستان‌ها غالباً مبارزه و پایداری است. بر اغلب داستان‌های این دوره اضطراب سیاسی و ترس ناشی از بدفرجامی و زندان حاکم است. از ویژگی‌های نثر دوره مقاومت روی آوردن به داستان کوتاه، ترجمه آثار داستانی آمریکای لاتین و همدردی با ستم‌کشیدگان دنیا و کثرت نویسندگان، آشکار است.

بهره‌بردن از زبان عامیانه، نویسندگی را برای بسیاری از طبقات جامعه آسان و نثر را آماده قبول افکار گوناگون کرد و ترجمه رمان‌ها و داستان‌های اروپایی باعث شد که نوشتن داستان به تدریج در زبان فارسی معمول گردد. آشنایی با تحقیقات و تتبعات اروپاییان نیز موجب تغییر روش تاریخ‌نویسی و تحقیق در مسائل ادبی شد. از شناخته‌شده‌ترین نویسندگان دوره مقاومت می‌توان به احمد محمود، نویسنده رمان «همسایه‌ها»، علی محمد افغانی، نویسنده رمان «شوهر آهوخانم»، هوشنگ گلشیری نویسنده رمان «بره گمشده راعی» و امین فقیری نویسنده رمان «دهکده پر ملال» اشاره کرد.



برخی از نویسندگان دوره معاصر

■ سید محمدعلی جمالزاده

جمالزاده را با مجموعه داستان «یکی بود، یکی نبود» آغازگر داستان‌نویسی فارسی به شیوه نوین می‌دانند. وی در خانواده‌ای روحانی در اصفهان به دنیا آمد و در تهران تحصیل کرد و پس از آن به کشورهای دیگری مثل لبنان، فرانسه و آلمان رفت. در داستان بیشتر از اینکه به محتوا توجه داشته باشد، به سبک نویسندگی و کاربرد کلمات عامیانه و متداول در نثر توجه دارد و کلام را به طبع خوانندگان نزدیک می‌کند و به همان راهی می‌رود که کسانی مثل زین‌العابدین مراغه‌ای در «سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ» و علی‌اکبر دهخدا در «چرند و پرند» آغاز کرده بودند. «راه‌آب‌نامه» و «تلخ و شیرین» از دیگر داستان‌های او هستند.

■ جلال آل احمد

جلال در خانواده‌ای مذهبی متولد شد. وی در جوانی چند ماه را در نجف درس طلبگی خواند و پس از بازگشت به ایران، به احزاب سیاسی پیوست و پس از آن به معلمی روی آورد و نویسندگی را نیز وجهه همت خود قرار داد. اولین داستانش با عنوان «زیارت» در مجله سخن چاپ شد و «دید و بازدید» و «سه‌تار» از دیگر مجموعه داستان‌های او هستند. مشهورترین اثرش داستان بلند «مدیر مدرسه» است. نمونه نثر پرشتاب و بریده بریده جلال را که از آن با عنوان «نثر تلگرافی» یاد می‌کنند، در این اثر به کمال می‌بینیم. جلال علاوه بر داستان، در تک‌نگاری، سفرنامه‌نویسی، مقاله‌نویسی انتقادی و ترجمه نیز توانا است. سفرنامه حج او با عنوان «خسی در میقات» و مجموعه مقاله‌های «ارزیابی نشتابزده» از نوشته‌های دیگر او هستند.

■ سیمین دانشور

متولد شیراز و دانش‌آموخته زبان و ادبیات فارسی در دوره دکتری از دانشگاه تهران است. وی سال‌ها به تدریس هنر و ادبیات در این دانشگاه مشغول بود. اولین تجربه داستان‌نویسی دانشور «آتش خاموش» بود. بعدها «شهری چون بهشت» را منتشر کرد و با «سووشون» که دربرگیرنده داستان زندگی زری و یوسف و اوضاع اجتماعی مردم فارس در خلال جنگ جهانی دوم است، به اوج نویسندگی خود رسید. چند سال نیز با مجله‌هایی مثل نقش و نگار، کتاب ماه، کیهان و آرش همکاری داشت. از دانشور ترجمه‌هایی نیز از داستان‌ها و



نمایش نامه‌های نویسندگان مشهور خارجی بر جای مانده است.

ب) دوره انقلاب اسلامی

بعد از قیام ۱۵ خردادماه ۱۳۴۲، تکاپو و فعالیت جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای رسیدن به آزادی و استقلال کشور بیشتر شد و مبارزات آنها به شکل جدی‌تری ادامه یافت تا در نهایت در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ با پیروزی انقلاب اسلامی به نتیجه رسید. در این دوره ادبیات نیز همراه با دیگر ابعاد زندگی مردم ایران دست‌خوش تحول شد. این تحولات موجب شکل‌گرفتن جریانی در تاریخ ادبیات فارسی شد که سرآغاز آن از سال‌های قبل از ۱۳۵۷ بود؛ اما به جهت اینکه با پیروزی انقلاب تثبیت شد، آن را تحت عنوان «ادبیات انقلاب اسلامی» بررسی می‌کنیم.

■ شعر در دوره انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران، مانند هر رخداد مهم دیگر در فضای فرهنگی و هنری جامعه ایران، دگرگونی‌هایی ایجاد کرد و فضایی تازه در شعر و نثر به وجود آورد. شاعران و نویسندگان این عصر با باورهای سرچشمه گرفته از مکتب انقلابی و اسلامی، اندیشه‌ها و مضامین مذهبی و عرفانی و موضوعاتی مثل: جهاد، شهادت، ایثار، آزادی و عشق را در آثار خویش بیشتر به کار گرفتند و طرح مضامین این حوزه، همراه با ورود برخی مظاهر فرهنگ غربی مهم‌ترین موضوعات ادبیات این دوره هستند. این تغییر و دگرگونی در زمینه ادبیات، به ویژه شعر، کاملاً ملموس و محسوس است. از آنجا که طنز و انتقاد اجتماعی در این دوره رشد نمود، مضامین طنزآمیز نیز در آثار ادبی این دوره دیده می‌شود. درون‌مایه سروده‌ها و نوشته‌های ادبی این دوره بیشتر در زمینه‌های زیر است:

■ محکوم کردن استبداد و بی‌عدالتی؛

■ ستایش آزادی و آزادی‌خواهان؛

■ ترسیم افق‌های روشن و امیدبخش پیروزی بر خلاف ادبیات ناامید و مأیوس قبل از انقلاب؛

■ تکریم شهید و فرهنگ شهادت با تکیه بر اسطوره‌های ملی و تاریخی؛

■ طرح اسوه‌های تاریخی به ویژه تاریخ اسلام مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و



امام حسین علیه السلام و چهره‌های مبارز همچون حضرت امام خمینی ره.

از نگاه شاعر و نویسنده این دوره، عاشورا تنها یک حادثه نیست بلکه یک فرهنگ است که لحظه لحظه انقلاب اسلامی با این فرهنگ پیوند خورده‌است. ادبیات این دوره از ابتدا تاکنون رشد قابل توجهی داشته و آثار زیبا و ماندگاری را رقم‌زده است و از آنجا که انقلاب اسلامی توانسته است در میان ملت‌های مسلمان دنیا موجب بیداری و آگاهی شود، در میان آثار شاعران و نویسندگان این دوره، رنج‌ها و مظلومیت ملت‌های مسلمانی مانند فلسطین، لبنان و افغانستان به چشم می‌خورد.

شاعران عصر انقلاب علاوه بر شعر سنتی، به‌ویژه غزل، مثنوی، رباعی و دوبیتی در قالب‌های نو؛ مانند: نیمایی و سپید هم طبع‌آزمایی کرده‌اند. زبان شعر این دوره نیز تغییر می‌یابد؛ یعنی روح حماسی اشعار دوران مقاومت که با موجی از عرفان آمیخته شده است، موجب تحول و دگرگونی زبان و محتوای شعر می‌شود.

استمرار ادبیات معاصر را در عصر انقلاب در سه شاخهٔ مجزا از یکدیگر می‌توان بررسی کرد:

۱ شاخهٔ نخست شامل گروهی از شاعران و نویسندگان است که پس از پیروزی انقلاب با ارزش‌ها و مفاهیم تازه‌ای که در زندگی اجتماعی شکل گرفته بود، هماهنگ شده و شاخهٔ نیرومندی از ادب انقلاب را ادامه دادند. این گروه با تکیه بر پشتوانهٔ ادبی و تلفیق آن با ارزش‌های نوین، به عنوان جریانی کمال یافته و پیش‌کسوت شناخته می‌شوند. مانند: حمید سبزواری، قیصر امین‌پور، سیدعلی موسوی گرمارودی، سیدحسن حسینی و نصرالله مردانی.

۲ شاخه‌ای از ادبیات هم بعد از انقلاب به همان روال گذشته که در زمینه‌هایی نیز متأثر از ادبیات جهان بود، به حیات خویش ادامه داد. گروهی از این نویسندگان و شاعران بعد از انقلاب به خارج از کشور رفتند و در آنجا به فعالیت ادبی خود ادامه دادند. گروهی هم در کشور به فعالیت‌های خود ادامه دادند؛ و با اندیشه‌های ادبی خود، هم‌زمان با انقلاب به تولید آثار ادبی ارزشمندی پرداختند، مانند: هوشنگ ابتهاج، حسین منزوی، علی محمد افغانی، محمود دولت‌آبادی.

۳ گروه سوم شاخهٔ جوان ادبیات بعد از انقلاب بود که کار ادبی خود را در انقلاب آغاز کرد و چون به اصول آن پایبند بود، منادی اندیشه‌های انقلاب شد و الفاظ، بن‌مایه‌ها و تصاویر شعری را از حال و هوای انقلاب و موضوعات و مفاهیم رایج در آن دریافت کرد. از آن جمله



می‌توان به سلمان هراتی و علیرضا قزوه اشاره کرد.

با شکل‌گیری انقلاب، شاعران جنبه‌های حماسی، عرفانی و مذهبی نهضت اسلامی را در شعر انعکاس دادند. با آغاز جنگ تحمیلی و تحریک عواطف دینی و ملی، فرهنگ دفاع مقدس به شعر فارسی راه یافت. با تأثیر فرهنگ جنگ، نگرش حماسی در زبان و محتوای شعر این دوره تأثیر گذاشت. با وقوع جنگ تحمیلی، موضوعاتی مثل مبارزه، دفاع، ایثار، شهادت، پایداری، شجاعت و میهن‌دوستی رواج یافت و در شعر و ادبیات این دوره، حال و هوای تازه‌ای همراه مضامین ادب معاصر به‌وجود آمد.

هرچند در سال‌های آغازین انقلاب، در میان شاخهٔ جوان، اقبال به شعر نیمایی کم‌رنگ بود، دبری نیابید که شعر نیمایی، با مقیاسی محدود، در شعر انقلاب جای خود را باز کرد. البته بدون اینکه مثل قالب‌های سنتی عمومیت پیدا کند. به هر حال هر چه از سال‌های اول انقلاب می‌گذرد، اقبال به شعر نیمایی بیشتر می‌شود و در ادامه توجه به چهارپاره، قصیده، ترکیب‌بند و بحر طویل نیز دیده می‌شود. گاه نیز نوآوری‌هایی در قالب‌های شعری ایجاد می‌شود که برای مثال می‌توان از قالب «غزل - مثنوی» (ادغام غزل با مثنوی) نام برد.



چند تن از شاعران دوران انقلاب

■ قیصر امین‌پور

شاعر و نویسندهٔ انقلاب است. وی با مجموعه شعر «در کوچهٔ آفتاب» توانایی خود را در ادبیات انقلاب نشان داد؛ پس از آن، با آثاری چون «تنفس صبح» و «آئینه‌های ناگهان»، منظومهٔ «ظهر روز دهم» و سرانجام «دستور زبان عشق» جایگاه خویش را در شعر انقلاب تثبیت کرد. نثر امین‌پور ساده اما عمیق و عاطفی است. از آثار منظور او باید به «طوفان در پرائنتر»، «بی‌بال پریدن» و «سنت و نوآوری در شعر معاصر» اشاره کرد.

■ سید علی موسوی گرمارودی

از پیشتازان شعر مذهبی قبل از انقلاب است. پس از انقلاب نیز به آرمان‌ها و اهداف مذهبی و انقلابی وفادار مانده‌است. وی در غزل و قصیده بیشتر طبع‌آزمایی کرده‌است. اشعار سپید



او نیز قابل توجه‌اند. از آثار شعری او می‌توان «صدای سبز»، «خواب ارغوانی»، «برآشفتن گیسوی تاک» و «گوشواره عرش» را نام برد.

■ سلمان هراتی

از شاعران نواندیش و معروف شعر انقلاب بود. این معلم خوش ذوق در سال ۱۳۶۵ و در سن جوانی در یک حادثه رانندگی جان خود را از دست داد. از سلمان هراتی مجموعه‌های «از آسمان سبز»، «از این ستاره، تا آن ستاره» و ویژه نوجوانان و «دری به خانه خورشید» به یادگار مانده است.

■ نثر در دوره انقلاب اسلامی

نثر این دوره به ویژه در داستان نویسی ادامه می‌یابد و تجربه‌های بدیع و کم سابقه‌ای در کنار دیگر مضمون‌های اجتماعی و فلسفی مورد توجه نویسندگان قرار می‌گیرد. بنابراین تکامل ادبیات داستانی برخلاف شعر تا حدودی به طور طبیعی رواج یافت و همراه تغییراتی که در محتوا اتفاق افتاد، تغییراتی هم در فنون و سبک داستان رخ داد.

بر خلاف شعر، در داستان نویسی دهه شصت، جایگاه نسل جوان کمرنگ‌تر است؛ اغلب نویسندگان موفق در این دوره پیش کسوتان و کسانی هستند که تجربه نویسنده‌گی سال‌های قبل از انقلاب را دارند. آنان از طریق دانستن زبان بیگانه یا خواندن ترجمه داستان‌های خارجی ارتباط خود را با پیشرفت‌های جهانی این فن حفظ کرده و تجربیات نوینی را که تحولات سیاسی اجتماعی به آنها داده، به صورت داستان عرضه کرده‌اند.

در این دوره از نویسندگانی همچون محمود دولت‌آبادی با رمان «روزگار سپری شده مردم سالخورده»، احمد محمود با رمان «مدار صفر درجه» و «زمین سوخته»، اسماعیل فصیح با رمان «زمستان ۶۲»، هوشنگ گلشیری با داستان «آینه‌های دردار» و دیگران که کار نویسندگی را در دوره‌های پیش آغاز کرده بودند، می‌توان نام برد.

نسل جوان انقلاب هنوز مهارت کافی را برای بیان ادبی تجربه‌های خود نداشت. لازمه کسب چنین مهارتی تأمل در آثار قدما و آشنایی با ادبیات جهان بود. این نسل کار خود را با داستان کوتاه آغاز کرد و ادامه داد. از این رو ادبیات داستانی و نثر پس از انقلاب در شکل فراگیر خود در داستان کوتاه جلوه گر شد. هرچند به تدریج رمان‌ها و داستان‌های بلند هم در



میان آثارشان مشاهده می‌شود.

گرایش شدید این نسل به آثار و نوشته‌های سیاسی، اجتماعی و انقلابی باعث رونق فضای نشر و نگارش در کشور شد. پس از پیروزی انقلاب، کانون نویسندگان ایران فعالیت خود را مجدد آغاز کرد؛ اما از همان ابتدا دستخوش کشمکش سیاسی - عقیدتی شد که در نهایت به انشعاب حزب توده از آن انجامید. شرایط سیاسی و اوضاع جنگی رفته‌رفته افشار جامعه و به خصوص اهل فکر و فرهنگ را در دو جبهه متفاوت قرار داد؛ یک دسته نویسندگان مذهبی که حامی نظام اسلامی بودند و دسته دیگر، جناح نویسندگان دگراندیش.

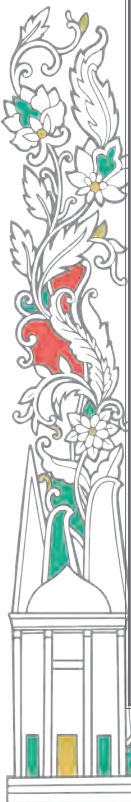
سال‌های پس از جنگ، دوران اوج شکوفایی رمان‌نویسی در ایران بود که تقریباً در سراسر دهه هفتاد تداوم یافت. در این دوران، داستان‌نویسان مذهبی همچنان به ثبت خاطرات حماسه‌های دوران جنگ و عوالم معنوی آن و یا پاره‌ای مفاهیم نوظهور اجتماعی پرداختند. طیف نویسندگان جناح دیگر در این زمان در رویارویی با تحولات فکری - سیاسی داخلی یا خارجی کوشیدند با دیدی جزئی‌نگر به تضادها و تناقض‌های روحی انسان معاصر پردازند. از میان نویسندگان داستانی نسل انقلاب به علی مؤذنی، سید مهدی شجاعی، احمد دهقان، محمدرضا سرشار، رضا امیرخانی، حبیب احمدزاده و مصطفی مستور می‌توان اشاره کرد.

در دهه هفتاد و پس از آن گرایش به خاطره‌نگاری و زندگی‌نامه‌نویسی نیز رشد چشمگیری یافت و آثار قابل توجهی در این حوزه‌ها نگارش یافت. نثر ادبی (قطعه ادبی) و ادبیات نمایشی نیز در این دوره قابل اعتنا و توجه است.

چند تن از نویسندگان دوران انقلاب

■ محمدرضا سرشار

محمدرضا سرشار معروف به «رضا رهگذر» از نویسندگان مشهور معاصر در حوزه نویسندگی کودکان و نوجوانان است. محورهایی مثل قصه‌نویسی، قصه‌گویی، تدریس و فعالیت در نشریات تخصصی و مباحث پژوهشی ادبیات کودک و نوجوان از مهم‌ترین حوزه‌های فعالیت اوست. «اگه بابا بمیره» و «مهاجر کوچک» از آثار او در حوزه قصه‌های کودک و نوجوان است و فعالیت‌های مطبوعاتی در مجله‌های رشد دانش آموز، قلمرو، سوره و پویش نیز از زمینه‌های دیگری است که سرشار بدان‌ها پرداخته است.



■ علی مؤذنی

از جمله نویسندگان معروف عصر انقلاب است که در عرصهٔ داستان کوتاه، داستان بلند، رمان، نمایشنامه و فیلم‌نامه قلم می‌زند. وی در حوزهٔ ادبیات دفاع مقدس نیز رویکردی خاص و عمیق به مسائل دارد. از آثار او می‌توان به «ظهور»، «سفر ششم»، «ملاقات در شب آفتابی» و «دل‌ویز تر از سبزه» اشاره کرد.

■ سید مهدی شجاعی

سید مهدی شجاعی در رشتهٔ ادبیات نمایشی (دراماتیک) تحصیل کرده، به‌طور جدی کار نوشتن را در قالب‌های مختلف ادبی ادامه داد. در چند روزنامه و مجله مثل جمهوری اسلامی، رشد جوان و صحیفه همکاری داشت؛ اگرچه رشتهٔ تحصیلی‌اش ادبیات نمایشی بود و چند نمایشنامه هم چاپ کرد، اما در داستان‌نویسی، ادبیات کودک و نوجوان و قطعهٔ ادبی نیز آثاری دارد. از فیلم‌نامه‌ها و «ضیافت»، «جای پای خون» و «کشتی پهلو گرفته» حاصل تجربه‌های داستانی او خصوصاً در زمینهٔ ادبیات مذهبی هستند.

خودارزیابی

- ۱ مهم‌ترین درون‌مایهٔ سروده‌ها و نوشته‌های ادبی دورهٔ انقلاب اسلامی را بیان کنید.
- ۲ شعر معاصر پیش از انقلاب اسلامی به چند دوره تقسیم می‌شود؟ نام ببرید.
- ۳ مهم‌ترین قالب‌های نثر بعد از انقلاب اسلامی کدام‌اند؟ نام ببرید.
- ۴ موضوع کلی هر کدام از آثار زیر را بنویسید:
حیدر بابایه سلام: جای پای خون: سووشون:
- ۵ شعر احمد عزیزی را از نظر ویژگی‌های فکری و ادبی شعر انقلاب بررسی کنید:

یاس بوی مهربانی می‌دهد	عطر دوران جوانی می‌دهد
یاس‌ها یادآور پروانه‌اند	یاس‌ها پیغمبران خانه‌اند
یاس مثل عطر پاک نیت است	یاس استنشاق معصومیت است
یاس را آینه‌ها رو کرده‌اند	یاس را پیغمبران بو کرده‌اند



یاس بوی حوض کوثر می‌دهد عطر اخلاق پیمبر می‌دهد
 حضرت زهرا دلش از یاس بود دانه‌های اشکش از الماس بود
 داغ عطر یاس زهرا زیر ماه می‌چکانید اشک حیدر را به چاه
 عشق محزون علی، یاس است و بس چشم او یک چشمه الماس است و بس
 اشک می‌ریزد علی مانند رود بر تن زهرا گل یاس کبود
 گریه آری گریه چون ابر چمن بر کبود یاس و سرخ نسترن

۶ شعر زیر را از نظر سطح فکری بررسی نمایید.

به سان رهنوردانی که در افسانه‌ها گویند،

گرفته کوله بار زاده بر دوش

فشرده چوب‌دست خیزران در مشت

گهی پُرگوی و گه خاموش

در آن مه‌گون فضای خلوت افسانگی‌شان راه می‌پویند ما هم راه خود را می‌کنیم آغاز

سه ره پیداست

نوشته بر سر هر یک به سنگ اندر

حدیثی کش نمی‌خوانی بر آن دیگر

نخستین: راه نوش و راحت و شادی

به ننگ آغشته، اما رو به شهر و باغ و آبادی

دو دیگر راه: نیمش ننگ، نیمش نام

اگر سر بر کنی، غوغا و گردم در کشی، آرام

سه دیگر: راه بی‌برگشت بی‌فرجام

من اینجا بس دلم تنگ است

و هر سازی که می‌بینم، بدآهنگ است

بیا ره‌توشه برداریم





قدم در راه بی برگشت بگذاریم

ببینیم آسمان «هر کجا» آیا همین رنگ است؟

اخوان ثالث

۷ شعر ققنوس نیما یوشیج را از نظر قالب تحلیل نمایید.

ققنوس، مرغ خوش خوان، آوازه جهان

آواره مانده از وزش بادهای سرد

بر شاخ خیزران

بنشسته است فرد

برگرد او به هر سر شاخی پرندگان

او ناله‌های گمشده ترکیب می کند ...

۸ متن زیر از داستان «دو کبوتر، دو پنجره، یک پرواز» اثر سید مهدی شجاعی را از نظر ویژگی‌های نثر بعد از انقلاب اسلامی بررسی نمایید:

«دو سال مانده بود هنوز به گرفتن دیپلم و وقت سربازی؛ اما طاقتم نمی توانستیم آورد. اول تابستان بود، کارنامه‌ها را با معدلی همسان گرفتیم و راهی خانه شدیم. با پیشنهادی که تو می‌خواستی بکنی و هنوز نکرده بودی، من موافق بودم، قبل از اینکه بگویی، گفتم: پدر رضایت می‌دهد، با مادر چه کنیم؟ گفتم: رضایت پدر شرط است؛ اما رضایت مادر را هم می‌گیریم.

به خانه که رسیدیم، تو سراغ پدر رفتی و من سراغ مادر.

بر عکس شد، من مادر را راضی کرده بودم و تو هنوز داشتی با پدر چانه می‌زدی.

رفتن هر دو مان را با هم قبول نمی‌کرد؛ می‌گفت راند برود؛ وقتی برگشت، نوبت حامد و ما که گفتیم — مثل همیشه — یا هر دو یا هیچ کدام. پدر پاسخ داد که: پس هیچ کدام. من و تو هر دو یک لحظه از حرفمان برگشتیم؛ بر اساس قراری که نداشتیم، پدر با تعجب و حیرت رضایت‌نامه‌ تو را نوشت و مرا گفت که صبر کن راند که آمد، تو می‌روی و من سر تکان دادم و هیچ نگفتم.»

۹ شعر دوره بیداری را با شعر معاصر (تا انقلاب اسلامی) از نظر فکری مقایسه کنید.

درس هشتم

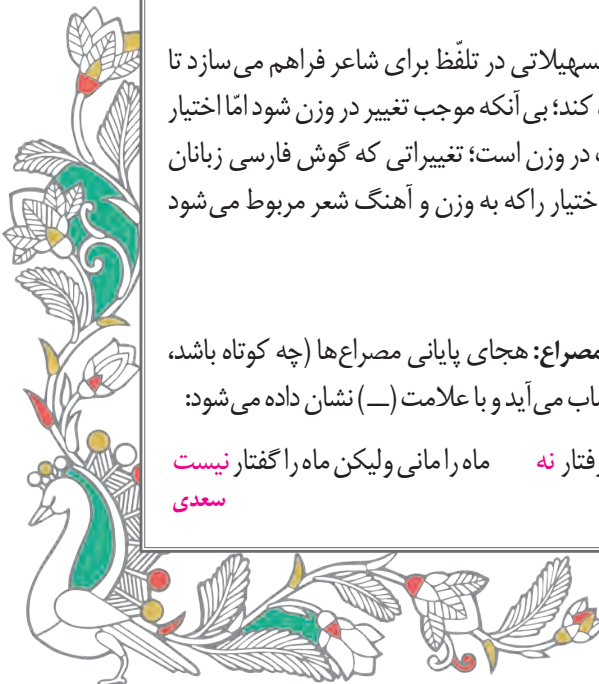
اختیارات شاعری^(۲) وزنی

اختیار زبانی، قابلیت‌ها و تسهیلاتی در تلفظ برای شاعر فراهم می‌سازد تا به ضرورت وزن از آن استفاده کند؛ بی‌آنکه موجب تغییر در وزن شود اما اختیار وزنی امکان تغییراتی کوچک در وزن است؛ تغییراتی که گوش فارسی زبانان آنها را عیب نمی‌شمارد. این اختیار را که به وزن و آهنگ شعر مربوط می‌شود «اختیار وزنی» می‌نامند.

اختیارات وزنی

۱ بلند بودن هجای پایان مصراع: هجای پایانی مصراع‌ها (چه کوتاه باشد، چه کشیده) همواره بلند به حساب می‌آید و با علامت (—) نشان داده می‌شود:

سرو را مانی ولیکن سرو را رفتار نه ماه را مانی ولیکن ماه را گفتار نیست
سعدی



سَر و را ما	نِی و لَی کَن	سَر و را رَکَف	تَا ر نَ
- - U -	- - U -	- - U -	U - <i>نَ</i>
ما ه را ما	نِی و لَی کَن	ما ه را کُف	تَا ر نِیَسْت
- - U -	- - U -	- - U -	U - <i>نِیَسْت</i>
فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلن

آخرین هجا در مصراع اوّل کوتاه و در پایان مصراع دوم، هجای کشیده است؛ اما شاعر آنها را بلند به حساب آورده است، بدون آنکه خللی در وزن ایجاد شود. بنابراین در پایان مصراع، هجای کشیده و کوتاه و بلند تفاوتی ندارند؛ زیرا هر چه باشد، هجای بلند محسوب می‌شود.^۱

۲ آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن: شاعر می‌تواند فقط در رکن اوّل مصراع به جای فعلاتن (- - U)، فاعلاتن (- - U -) بیاورد. البته عکس آن درست نیست؛ یعنی نمی‌توان به جای فاعلاتن از فعلاتن استفاده کرد:

یاد باد آن که ز ما وقت سفر یاد نکرد به وداعی دل غم‌دیده ما شاد نکرد

حافظ

یا د با دان	کِ زِ ما وق	تِ سَ فَرِ یا	دَن کَرَد
- - U -	- - U U	- - U U	- U U
بِ وِ دا عی	دِ لِ غَمِ دی	دِ یِ ما شا	دَن کَرَد
- - U U	- - U U	- - U U	- U U
فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فعلن

۱- در سال گذشته آموختیم که این قاعده در هجای پایان نیم مصراع اوزان همسان دولختی نیز اعمال می‌شود.



۳ ابدال: شاعر می تواند به جای دو هجای کوتاه کنار هم، یک هجای بلند بیاورد؛ یعنی به جای (UU-) «فَعِلن»، می تواند (--) «فَعْلُن» بیاورد؛ اما عکس آن صادق نیست. چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست سخن شناس نه ای جان من خطا اینجاست

حافظ

چُ بَشَدَتَوِی	سُ خَ نِ اَه	لِ دِلِ مَ گو	کِ خَ طَاسَت
- U - U	- - U U	- U - U	- U U
سُ خَن شِ نَا	سِ نِ اِی جَا	نِ مَن خَ طَا	اِین جَاسَت
- U - U	- - U U	- U - U	- <u>سُ</u>
مفاعِلن	فَعَلاتِن	مفاعِلن	فَعِلن

همان گونه که دیدیم، شمار هجاهای مصراع نخست، ۱۵ هجا است و مصراع دوم ۱۴ هجا دارد. شاعر در رکن پایانی مصراع دوم، یک هجای بلند را معادل دو هجای کوتاه رکن پایانی مصراع اول قرار داده است. باید توجه داشت اصل دو هجای کوتاه است. به بیان دیگر برای نام گذاری وزن بیت، دو هجای کوتاه، معیار تعیین وزن شعر خواهد بود.

توجه:

این اختیار شاعری در دو هجای ماقبل آخر بسیار رایج است و حتی در تمام مصراع های یک شعر ممکن است استفاده شود. لازم است بدانیم در ارکانی مانند (UU-) «مفتعلن»، (UU-) «فَعَلاتِن» و (UU-) «مستفعل» کاربرد آن کم است، یعنی شاعر می تواند بنابه ضرورت به جای هریک از اینها (--) «مفعولن» بیاورد؛ اما معیار تعیین وزن شعر دو هجای کوتاه است.

می کو شِ بِ	هَر وَ رَقِ کِ	خَا نِی
U U - -	U - U -	- -
کَانَ دَا نِشِ	رَا تَ مَ م	دَا نِی
- - <u>سُ</u>	U - U -	- -
مستفَعْلُ	فَعَلات	فَعِلن



۴ قلب: شاعر می تواند بنا به ضرورت وزن، یک هجای بلند و یک هجای کوتاه کنار هم را جابه جا کند و به جای یک هجای کوتاه و یک هجای بلند (-U)، یک هجای بلند و یک هجای کوتاه (U-) بیاورد یا برعکس:

کیسه هنوز فربه است، با تواز آن قوی دلم چاره چه خاقانی اگر، کیسه رسد به لاغری

خاقانی

کی سِه نو	ز فَرِبِ هَسْت	بَا تُ اَ زَان	قَو ی دِلْم
-U U-	- U - U	- U U -	- U - U
مفتعلن	مفاعِلن	مفتعلن	مفاعِلن
چا رِ چِ خا	قَا نِ یِ گَر	کی سِ رِ سَد	بِ لَ اَغ رِ ی
- UU-	- U U -	- U U -	- U - U
مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفاعِلن

در رکن دوم مصراع دوم به جای (-U-U) مفاعِلن، (-U U-) مفتعلن آمده است. کاربرد این قابلیت وزنی، بسیار کم است و تنها در (-UU-) «مفتعلن» و (-U-U) «مفاعِلن» رخ می دهد.

خودارزیابی

۱ تفاوت اختیارات زبانی و اختیارات وزنی چیست؟

۲ کلمات «که» (U) و «کشت» (U=) در کجای مصراع با کلمه «کش» (-) برابر است؟ این اختیار از کدام نوع است؟

۳ پس از تقطیع هجایی ابیات زیر، اختیارات وزنی را تعیین کنید:

الف) دست در دامن مولا زد در که علی بگذر و از ما مگذر

شهریار





ب تو با خدای خود انداز کار و دل خوش دار

که رحم اگر نکند مدعی خدا بکند

حافظ

پ کیست که پیغام من به شهر شروان برد یک سخن از من بدان مرد سخندان برد

جمال الدین عبدالرزاق

ت یار با ماست چه حاجت که زیادت طلبیم دولت صحبت آن مونس جان ما را بس

حافظ

ث خارکش پیری با دل ق درشت پشتۀ خار همی برد به پشت

جامی

ج با که گویم به جهان، محرم کو؟ چه خبر گویم با بی خبران؟

مولوی

چ به وفای دل من ناله برآید چنانک چنبر این فلک شعوذه گر بگشاید

خاقانی

۴ وزن ابیات زیر را بیابید و اگر اختیارات شاعری در آنها وجود دارد، مشخص نمایید.

الف دیگر دلم هوای سرودن نمی‌کند تنها بهانه دل ما در گلو شکست

قیصر امین پور

ب من به زبان اشک خود می‌دهمت سلام و تو بر سر آتش دلم همچو زبانه می‌روی

شفیعی کدکنی

پ دلم شکسته‌تر از شیشه‌های شهر شماست

شکسته باد کسی کاین چینیمان می‌خواست

سپهیل محمودی

ت من ندانم به نگاه تو چه رازی است نهان که من آن راز توان دیدن و گفتن نتوان

رعدی آذرخشی

درس نهم

اغراق، ایهام و ایهام‌تینا

اغراق

در لغت به معنی سخت کشیدن کمان است و در اصطلاح بدیع، زیاده‌روی در توصیف یا مدح یا ذم را گویند؛ چنان که از حد معمول بگذرد و برای شنونده شگفت‌انگیز و زیبا باشد. به عبارت دیگر باز نمود دگرگونه مفاهیم و موضوعات سخن است، به صورتی که معانی خرد را بزرگ گرداند و معانی بزرگ را خرد بنماید تا تأثیر سخن را بیشتر کند.

به ابیات زیر توجه نمایید:

به کردار افسانه از هر کسی	شنیدم همی داستانت بسی
به تنها یکی گور بریان کنی	هوا را به شمشیر گریان کنی
برهنه چو تیغ تو بیند عقاب،	نیارد به نخجیر کردن شتاب
نشان کمند تو دارد هژبر	ز بیم سنان تو خون بارد ابر

فردوسی

زیاده‌روی در توصیف شجاعت و قدرت رستم از زبان تهمینه، موجب زیبایی آفرینی و موسیقی معنوی در این ابیات شده است؛ به گونه‌ای که این



بزرگ‌نمایی، تصویری زیبا در ذهن شنونده یا خواننده ایجاد می‌کند و تصویر آفرینی حماسی را در این ابیات به اوج می‌رساند.

اغراق مناسب‌ترین آرایه برای تصویر آفرینی در حماسه است؛ بنابراین در شاهنامه و آثار حماسی دیگر از آن بسیار استفاده شده است.

نمونه‌ای دیگر:

بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران

سعدی

سعدی با بزرگ‌نمایی در توصیف روز وداع یار، اوج احساسات و عواطف سرشار درونی خود را نشان می‌دهد.

نمونه‌های دیگر:

دل‌م گرفته از این روزها دل‌م تنگ است میان ما و رسیدن هزار فرسنگ است

سلمان هراتی

می‌شناسمت / چشم‌های تو میزبانِ آفتابِ صبحِ سبزه‌باغ‌هاست / می‌شناسمت. شفیع کدکنی

چو رامین گه‌گهی بنواختی چنگ، ز شادی بر سر آب آمدی سنگ

فخرالدین اسعد گرگانی

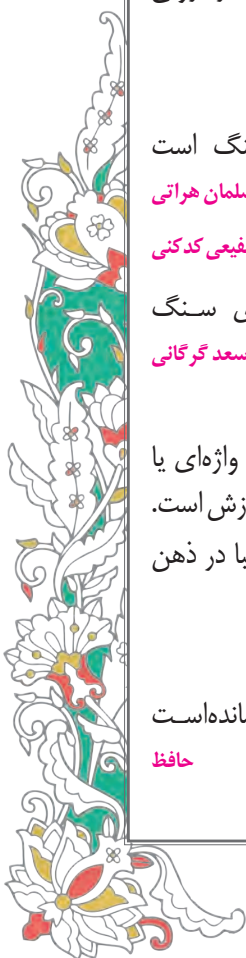
ایهام

در لغت به معنی در وهم و گمان افکندن است و در اصطلاح بدیع، آوردن واژه‌ای یا عبارتی در سخن با دو یا چند معنا که معمولاً بیت با تمام معانی پذیرفتنی و دارای ارزش است. دریافت هم‌زمان چند معنا از یک واژه یا یک عبارت در کلام، تصویری زیبا در ذهن خواننده یا شنونده ایجاد می‌کند و سبب زیبایی کلام می‌گردد.

به بیت زیر توجه کنید:

بی مهر رخت روز مرا نور نمانده‌است وز عمر مرا جز شب دیجور نمانده‌است

حافظ



واژه «مهر» ایهام دارد و در دو معنی به کار رفته است؛ یکی در معنای «محبت» و دوم در معنای «خورشید» و چنانچه مشاهده می شود، بیت با هر دو معنی قابل درک و دریافت است. در ایهام ذهن با اندکی تأمل، هر دو معنی را کشف می کند و همین موضوع سبب زیبایی آفرینی و لذت خواننده می گردد.

نمونه دیگر:

خانه زندان است و تنهایی ضلال هر که چون سعدی گلستانیش نیست

سعدی

«گلستان» ایهام دارد و دو معنا در ذهن پدید می آورد: یکی «باغ و گلزار» و دیگری «کتاب گلستان».

توجه: زمانی می توانیم آرایه ایهام را دریابیم که با معانی مختلف واژه ها آشنا باشیم.

یا در مثال:

اگر سنت اوست نوآوری، نگاهی هم از نو به سنت کنیم

قیصر امین پور

عبارت «از نو» در دو معنای مجدد و قالب شعر نو آمده است.

چند نمونه:

عهد کردی که کشی فرصت خود را روزی فرصت ار یافتی، آن عهد فراموش مکن

فرصت شیرازی

چون جام شفق موج زند خون به دل من با این همه دور از تو مرا چهره زردی است

مهرداد اوستا

ایهام تناسب

آوردن واژه ای است با دو معنی که یک معنای آن مورد نظر و پذیرفتنی است و معنای دیگر - که مورد نظر نیست - با بعضی از اجزای کلام تناسب دارد.



به این نمونه توجه کنید:

روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد زان زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما

حافظ

«آیت» در این بیت به معنی «نشانه» است؛ معنی دیگر آن «آیه» است که در این معنی با واژه «تفسیر» تناسب دارد. این آرایه شاعرانه را که در آن ذهن به تلاش و تکاپو می‌افتد تا معنی درست واژه را با توجه به مفهوم بیت دریابد، «ایهام تناسب» نامند.

مثال دیگر:

گر هزار است بلبل این باغ همه را نغمه و ترانه یکی است

صائب تبریزی

صائب در این بیت «هزار» را در معنای عدد هزار آورده است و در معنای دیگر آن (بلبل) با بلبل، باغ، نغمه و ترانه تناسب دارد.

نمونه‌های دیگر:

یک روز که خسرو زنگ قرآن در شهناز شوری به پا کرده بود، مدیر مدرسه آواز خسرو را

عبدالحسین وجدانی

شنید.

چنان سایه گسترد بر عالمی که زالی نیندیشد از رستمی

سعدی

پرستش به مستی است در کیش مهر برون‌اند زین جرگه هشیارها

علامه طباطبایی





خودارزیابی

۱ در هر یک از ابیات زیر آرایهٔ ایهام و ایهام تناسب را مشخص کنید و معانی مختلف واژه‌های که این آرایه را به وجود آورده است، بنویسید.

الف) بگفتا عشق شیرین بر تو چون است بگفت از جان شیرینم فزون است
نظامی

ب) چون شنم اوفتاده بدم پیش آفتاب مهرم به جان رسید و به عیوق برشدم
سعدی

پ) عرضه کردم دو جهان بر دل کار افتاده به جز از عشق تو باقی همه فانی دانست
حافظ

ت) نگران با من استاده سحر / صبح می‌خواهد از من / کز مبارک دم او آورم این قوم به
جان باخته را / بلکه خیر
نیما یوشیج

۲ اغراق‌های به کار رفته در بیت‌ها و عبارت‌های زیر را بیابید و توضیح دهید.

الف) گر برگ گل سرخ کنی پیره‌نش را از نازکی آزار رساند بدنش را
طرب اصفهانی

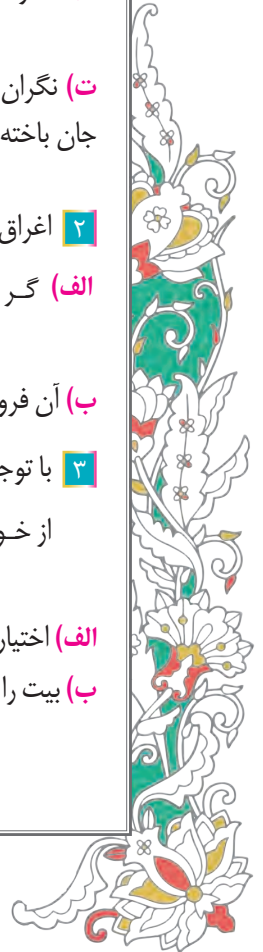
ب) آن فرو مایه هزار من سنگ بر می‌دارد و طاق‌ت یک حرف نمی‌آرد.
سعدی

۳ با توجه به بیت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

از خون و گل و شکوفه تابوت شهید بر موج بلند دست‌ها رنگین بود
نصرالله مردانی

الف) اختیارات وزنی بیت را بیابید و نوع آن را مشخص کنید.

ب) بیت را از نظر قلمرو فکری تحلیل کنید.





کارگاه تحلیل فصل

۱ پس از تعیین پایه‌های آوایی، نشانه‌های هجایی ابیات زیر را بنویسید و نوع اختیارات وزنی به کار رفته در بیت را تعیین کنید.

(الف) هرچه داری اگر به عشق دهی کافرم گر جوی زبان بینی
هاتف

(ب) من ندانستم از اوّل که تویی مهر و وفایی
عهد نابستن از آن به که ببندی و نیایی

(پ) مرا بسود و فروریخت هرچه دندان بود نبود دندان لابل چراغ تابان بود
سعدی
رودکی

(ت) نماند تیری در ترکش قضا که فلک سوی دلم به سرانگشت امتحان نگشود
سعدی

(ث) همه در خورد رای و قیمت خویش از تو خواهند و من تو را خواهم
سعدی

(ج) ای بی‌خبر بکوش که صاحب خبر شوی تا راهرو نباشی کی راهبر شوی
حافظ

۲ در بیت‌های صفحه بعد اغراق، ایهام و ایهام تناسب را بیابید و توضیح دهید.



(الف) جان ریخته شد با تو، آمیخته شد با تو چون بوی تو دارد جان، جان را هله بنوازم

مولوی

(ب) گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم

سعدی

(پ) چندین که بر شمردم از ماجرای عشقت، اندوه دل نگفتم الا یک از هزاران

سعدی

۳ دو مورد از ویژگی‌های ادبیات دوره انقلاب را در شعر «در سایه سار نخل ولایت» پیدا کنید.

چگونه شمشیری زهر آگین

پیشانی بلند تو

این کتاب خداوند را

از هم می‌گشاید؟

چگونه می‌توان به شمشیری، دریایی را شکافت؟

هنگام که همتاب آفتاب

به خانه یتیمکان بیوه زنی تابیدی

و صولت حیدری را

دست مایه شادی کودکانه‌شان کردی

و بر آن شانه که پیامبر پا نهاد

کودکان را نشاندی

و از آن دهان که هُرای شیر می‌خروشید

کلمات کودکانه تراوید

آیا تاریخ، بر درِ سرای

به تحیر

خشک و لرزان نمانده بود؟

سید علی موسوی گرمارودی

